

ادامه از صفحه اول

درباره مسعود مهرابی

متواضع بود و بسیار باحیا و محبوب و با وجود دانش وسیع و توانمندی‌های حرفه‌ای، با مخاطب چنان می‌نشست که نوآموزی جوان و جوینده و نوپا در محضر بزرگی به شاگردی زانو می‌زند.همراهانی وفادار و از جنس و قبیله خود داشت، «عباس یاری» و «هوشنگ کلمکانی»، در جامعه‌ای که کار جمعی مدت‌دار به افسانه می‌ماند، افسانه‌وار، بیش از ۳۵ سال معتبرترین نهاد مطبوعاتی سینمایی کشور را اداره کردند و همچنان محکم مانده‌اند.دغدغه او، آن بود که این نهاد با کمترین تسامح در تراز بالایی که برای آن تعریف شده بود، مانا باشد و از میان نسل جدید، کسانی به یاری بیایند که بتوان اطمینان کرد بر آن عهد بمانند... مهرابی تنی نازک داشت؛ اما در عرصه کار و اندیشه، به یقین پهلوانی پرقدرت و نستوه بود. من یقین دارم که دو پهلوان مانده از آن ججم پیربرکت، آرزوی او را بر شانه‌های استوار خود و همراهانی قوی‌دل و با دانشی سترگ و اندیشه‌ای پویا و آرزوهای بلند و انسانی، برآورده خواهند کرد و پرچم نهاد نیرومند و ریشه‌داری که ساختند، همواره در اهتزاز خواهد ماند.

خدایش بیامرزد